

متن پیاده سازی شده نشست دوازدهم (34) سال دوم درس خارج فقه هنر 11 دی 1401

برای دریافت فایل [کلیک کنید](#)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد و آله الطاهرين

اللهم كن لوليک الحجة ابن الحسن صلواتک علیه و علی آبائه فی هذه الساعة و فی کل ساعة وليا وحافظا و قائدا و ناصرا و دليلا

وعینا حتی تسکنه ارضک طوعا و تمتعه فیها طویلا

رقص، ترقیص، و تصفیق؛ تکلیفا و وضعاً

طبیعتاً مستحضرید اولین کار این است که ببینیم معنای رقص چیست؛ فارسی یا عربی... ببینیم شارع مقدس راجع به این واژه عبارتی دارد یا نه... موقعیت فقهی آن را بررسی کنیم و بعد برسیم به موقعیت شرعی آن در ادله و البته اگر نظر خاصی هم داریم بیان کنیم.

بحث زیبایی است که مبتلا به است و جای کار دارد...

رقص را گفته اند: کارها و حرکات موزون و مطرب و مهیج... و لذا می گویند رقص همان تاثیر را می گذارد که آواز و موسیقی می گذارد...

ممکن است با آلات موسیقی باشد یا نه... همراه با لرزاندن کمر، باسن و شکم و سینه... و امثال ذلک...

رقص مثل ترقیص یا تصفیق این ها مفاهیم عرفی است گاه یک غیر فقیه بهتر از فقیه می تواند این ها را تفسیر کند...

آن چه مهم است در واقع تطبیق این مفاهیم بر مصادیق است...

بحثی من در فقه و عرف دارم و آن این که ما نباید مقارنات را در صدق مفهوم دخالت دهیم...

منظور این است که ما یک مفهوم را باید وقتی می خواهیم شناسایی کنیم، باید آن را عریان کنیم و ببینیم دقیقا به چه دلالت دارد...

شما اگر کوزه ای شکسته باشد؛ و افتاده روی زمین شما می پرسید آیا می توان بر آن سجده کرد؟ می گوئیم: آری

حال اگر این کوزه بیاید سر سفره و آب داخل آن بریزید.. آیا می توان گفت این زمین است و می شود بر آن سجده کرد؟

طبیعتاً می گوئید این کوزه است و نمی شود... کوزه شکسته باشد و زیر پا باشد می گوئید ارض است و می شود بر آن سجده

کرد اما اگر کوزه شود و بیاید سر سفره.. آب داخل آن بریزیم صدق ارض نمی کند...

اگر کسی این گونه موضوعات را تحت «لزوم مجرد مفاهیم از مقارنات مزاحم برای تشخیص صدق مفهوم بر مصداق» کار کند

ارزشمند است...

ما بسیاری از این حرکات و تکان خوردنها را رقص نمیدانیم...

این جا یک مشکل هست و آن این که رقص را کسی ممکن است بگوید باید سراغ عرف رفت نه متخصص...

این هم مبنای ما نیست؛ حتی متخصص هم که ما میگوئیم از باب نهاد اطمینان است...

نه از باب شخص متخصص...

و لذا اگر یک بار متخصص اشتباه کند، و من مکلف مطمئن باشم حق عمل ندارم....

مثل روزه را که پزشک به من بگوید نمی توانی روزه بگیری اما من میدانم برایم مضر نیست می توانم روزه بگیرم..

نظر متخصص و کارشناس موضوعیت ندارد و طریقت دارد اما آن که موضوعیت دارد، اطمینان شخص است...ولکن

اطمینان معمولاً از همین طرق حاصل می شود..

پس رقص مفهوم عرفی است و ترقیص هم عرفی می شود
اگر به هر دلیل شک کردیم که فلان تکان خوردن رقص است یا نه ...
نتیجه تابع اخس است ..
حرمت رفته روی رقص ...

این هم شک داریم که رقص است یا نه ... حکم شک هم که معلوم است ...
عریان کردن مفاهیم از مقارنات ، این کلیدواژه مطلب ما است
اگر یک نهادی بنیانگذارانش کارشناسان بودند و وارد عرف شد ، مهم نیست ...
آقایان می گویند ما باید به عرف عام مراجعه کنیم در خصوص صدق مفاهیم ...
عرف معیار زمان خود شریعت هم مطرح بوده است ...

فرض کنید عرف یک تلقی از مفهومی دارد و کارشناسان هم تلقی خاص دارند و این عنوان تصور کنید در نصوص دینی هم هست .. برای مفهوم این نص باید رفت سراغ عرف معیار (عرف مردم نه عرف متخصص) ... العرف فی المفاهیم لا فی تطبیق المفاهیم علی المصادیق ...

ولی اگر یک اصطلاحی است که مثلا صدسال است در روانشناسی به کار میرود و در زبان مردم هم به کار میرود در همین بخش شدن ممکن است مردم تصرفاتی هم داشته باشند...

جمعی از فقها قائل به حرمت رقص شده اند و هیچ استثنایی در این باره نرده اند....

یکی از کسانی که به شدت به این قضیه معتقد است شیخ انصاری است وی می گوید: هر لهوری که از شدت فرح و بطر باشد ، حرام است . از این جاهایی است که هر وقت می بینم تعجب میکنم.

سوال این است که باید تحریم شود ... سوال این است که این چه نگاه تنزیهی هست که ما داریم؟! بعد می گوید: رقص ، دست زدن و تصفیق ... ضرب بالطشت ... وکل ما یفید فائدة آلات اللهو نعم لو خص اللهو بما یكون من بطر و فسر بشدة الفرح می گوید فرحی که از شدت شادی باشد کان ... تحریمه

می گویم یک دو مثال بزن؛ می گوید: فیدخل فی ذلک الرقص و التصفیق و الضرب بالطشت بدل الدف و کل ما یفید فائدة آلات اللهو

ما از این جنس فتوا ، زیاد داریم...

اما برخی بذر شک بر این بحث پاشیده اند؛ مرحوم عاملی صاحب مفتاح الكرامة

این بزرگوار احتمال حرمت علی الاطلاق داده است....

ولی ظاهرا فتوا به حرمت نداده است ... واحتمل العاملی ایضا حرمته علی الاطلاق لانه من اللهو و الباطل ...

این وسط یک نفر را پیدا کردم که فتوا به جواز داده است ...

مرحوم آشیخ جواد تبریزی

ایشان در استفتائات می گوید: رقص زن برای شوهر و رقص زن برای زنان در مجالس عروسی و مثل آن البته به شرطی که در معرض ... نباشد ، مانعی ندارد و رقص در غیر این دو مورد از مصادیق لهور است و سزاوار است که مومن از لهور اجتناب کند

...

ایشان به نظر من قائل به جواز بوده و از سویی هم نمی خواهد خود را درگیر افکار تندو مخالف کند ...

پس می توان گفت : آقای تبریزی رقصی که مقارن اختلاط زن و مرد نباشد ، اشکال نمیداند ..

البته این وسط چند تفصیل داریم

یکی رقص زن برای شوهر

اما رقص شوهر برای زن را هم گفته اند اشکال ندارد

(سید روح الله خمینی ، استفتائات)

زنی محضر آشیخ عبدالکریم حائری آمد و از وضعیت لباس پوشیدن خود در اجتماع گفت که من نمی توانم چادر بپوشم و به صورتی که می بینید ظاهر می شوم (پوشش عادی و موجهی داشت) ، آیت الله حائری هم وقتی به این شکل دید گفت: به این

شکل اشکال ندارد.

برخی فوراً به شیخ نسبت به این نظر اعتراض کردند و شیخ فرمود: آیا می‌گویید من به این حالت و پوششی که داشت، بگویم حرام است؟!

ما باید سعی کنیم در نظرات خود بیش از شرع صحبت نکنیم و ما گاه مصلحت‌اندیشی می‌کنیم و خود را جای شارع می‌گذاریم (در نظرات تندی که گاه داریم)

مجموعاً یک بحثی که هست این که یک فقیه تا چه حد باید پیامد‌گرایی کند و تا کجا نباید این کار را بکند....

یا برخی که نسبت به شرکت زنان در انتخابات اعلام کرده بودند، حرام است ولی الان که انتخابات موضوعیت خاص دارد، نظرات متفاوت شده است!

فقیه باید این نکات را رعایت کند و بداند....

نظر آقای خوبی این است که ایشان رقص را جایز نمی‌داند مگر این که رقص زوجه برای شوهرش باشد... استدلال هم می‌کنند که این از مصادیق استمتاع است.. و يجوز للرجل ان يستمتع بزوجه حيث شاء (شوهر می‌تواند هر استمتاعی از زنی برد؛ از جمله این که برای او برقصد)..

به نظر شما اشکال این کار کجاست؟

استمتاع از زوجه، به نظر شما جناب آقای خوبی، آیا ضیق ذاتی ندارد نسبت به مُحْرَم؟

فرض کنید کسی می‌خواهد از همسرش استمتاع ببرد ولی از طریقی که مشروعیتش محرز نیست.

اگر رقص دلیل بر منع ندارد.... بگویید دلیل نداریم

روایت سکونی و غیر سکونی هم انصراف دارد

اما دلیل بر جواز است، ادله جواز استمتاع نسبت به محرمات ضیق ذاتی دارد ...

فرض کنید کسی از همسرش می‌خواهد که برای او بخواند؛ از یک سو حرمت غنا و از سوی جواز استمتاع..... لذا می‌بینیم که

این‌ها نسبت به حرام ضیق ذاتی دارد ...

الحمد لله رب العالمین